

بررسی نقش آفرینی جریان‌های سیاسی - اجتماعی شیعیان لبنان در دهه‌های اخیر

در مسیر عزت

کسری صادقی زاده*

جایگاه شیعیان لبنان طی تاریخ پر سابقه این منطقه دستخوش تغییر و تحولات بسیاری بوده؛ زیرا هر قوم و طایفه‌ای که قدرت را در دست گرفته به شکلی با آنان تعامل نموده است. اما آنچه در این میان ثابت باقی مانده شهرت در جه دو بودن شیعیان و اجازه نقش آفرینی ندادن به آنها در جامعه است. اما این روال پس از حضور امام موسی صدر در لبنان و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ظهور حزب‌الله مسیری دیگر در پیش گرفت و جایگاه شیعیان را نسبت به قبل متحول کرد. در ادامه تلاش شده است اوضاع سیاسی - اجتماعی جریان‌های شیعی در دوران معاصر و ارزیابی شود.

بود که صدر، حرکه‌المحرومین را، که جنبشی فراگیر با محوریت شیعه بود، تأسیس کرد و رویکرد عدالت‌خواهانه و هویت‌سازانه را در دستور کار آن قرار داد. با توجه به بحران‌های امنیتی در داخل لبنان، با مجوز امام موسی صدر و حمایت اسلام‌گرایان ایرانی دوره پهلوی، مانند آیت‌الله طالقانی، جمعی از جوانان شیعه، که پیش‌تر در پادگان‌های نظامی مصر، دوره‌های آموزش نظامی و جنگ‌های چریکی دیده بودند، با تأسیس جنبش امل، به سازماندهی شیعیان در جنوب لبنان و آغاز رویارویی با تهاجم اسرائیل و گروه‌های افراطی مارکسیستی و مسیحی، مانند فالانژها، دست زدند. شهید چمران در گزارش خود از وضعیت لبنان به تأسیس کارگاه‌های کوچک صنعتی برای جوانان شیعه و آموزش به آنها در حوزه‌های دینی و عقیدتی اشاره کرده و این حرکت را در چهارچوب هدف قطع وابستگی شیعیان به طایفه‌های دیگر ارزیابی نموده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری حزب‌الله

صدر در سال ۱۹۷۸م با دعوت رسمی معمر قذافی به لیبی رفت و با خیانت سرهنگ قذافی، ربه‌ده شد. این مسئله ضرباتی جدی بر پیکره رهبری شیعیان لبنان وارد کرده همچنین سفر شهید چمران به ایران و حضور در جبهه‌های حق علیه باطل به خلاف حضور امام موسی صدر در حرکه‌المحرومین دامن زد و آن را در وضعیت بحرانی قرار داد.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) تأثیری شگرف در ساماندهی اندیشه‌های اسلامی و جنبه‌های عملی و نظری آن گذاشت، به گونه‌ای که بسیاری از گروه‌های فعال شیعی، مانند حزب الدعوة اسلامی، با انحلال خود، فعالیت‌هایشان را در چهارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی دنبال کردند. هنگامی که نبیه بری، رئیس جنبش امل، در گردمایی «کمیتة نجات»، که به دعوت الیاس سرکس، رئیس جمهور وقت لبنان، هم‌زمان با اشغال این کشور به دست اسرائیل در سال ۱۹۸۲م برگزار می‌شد، شرکت کرد، سید ابراهیم امین، مسئول دفتر جنبش امل در تهران، به کمیتة نجات و شرکت‌کنندگان در آن حمله کرد و آن را «کمیتة آمریکایی» خواند.

هم‌زمان با این وضع، حسین موسوی، جانشین وقت رهبر جنبش امل، به سوی مناطق بقاع در شرق لبنان رفت و با حمله به کمیتة نجات، تولد جنبش امل اسلامی را بشارت داد. این اقدام موسوی سبب شد دفتر سیاسی جنبش امل در بیروت، طی نشست‌های وی را از جنبش یادشده اخراج کند. این حادثه به سرعت زمینه شکل‌گیری تشکیلات جدید شیعیان را، که بعدها حزب‌الله نام گرفت، فراهم آورد. از میان نیروها و شخصیت‌هایی که به این حزب پیوستند می‌توان به اعضای حزب الدعوة، تعدادی از کادرهای جنبش امل، بعضی از روحانیان شیعه و شماری از کادرهای سابقه‌دار در سازمان‌های فلسطینی و احزاب ملی لبنان و بعضی از جناح‌های اسلام‌گرا و مستقل لبنان اشاره کرد. حزب‌الله، اندکی پس از دوران تأسیس، موفق شد حضور مردمی و نظامی مهمی در صحنه لبنان بیابد. در میان طرح‌های اولیه حزب‌الله می‌توان به طرح توسعه قلمرو و

میان جمعیت شیعه بدون اتصال به دولتی شیعه به صورت پراکنده به هم‌جوشی با بیشتر جریان‌ها، از سنی و مسیحی تا مارکسیستی، روی می‌آورد و در واقع بخشی از پیاده نظام گروه‌های یادشده به‌شمار می‌آمد.

امام موسی صدر کار خود را در لبنان به‌طور رسمی از سال ۱۹۵۹م آغاز کرد و در گام نخست با تشکیل جمعیت «البروالاحسان» به فعالیت‌های محرومیت‌زدایی و نیز فرهنگی و اجتماعی روی آورد. این سیر تا سال ۱۹۶۹م، که مجلس اعلا شیعیان به‌طور رسمی تأسیس شد، ادامه یافت. در این ده سال، امام موسی صدر به یکی از رهبران و چهره‌های مورد اعتماد بیشتر طایفه‌های لبنانی، به‌ویژه شیعیان آن، تبدیل شد.

دهه ۱۹۷۰م در لبنان را باید دهه کشمکش‌های داخلی و سرآغاز تهاجم اسرائیل به این کشور نامید. جنگ داخلی که در اواسط این دهه، یعنی سال ۱۹۷۵م، آغاز شده بود و ضرورت ورود به فازهای نظامی برای حمایت و دفاع از شیعیان این کشور بیش از پیش احساس می‌شد. در چنین وضعی

آنها به گروه‌های مارکسیستی به دلیل فشارهای مالی ارائه کرده است.

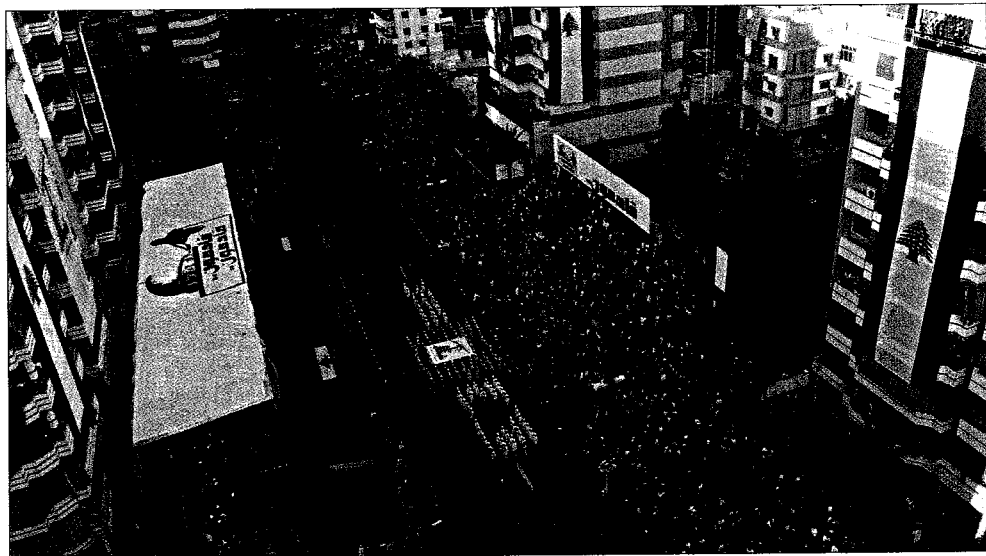
به روایت دکتر چمران، شیعیان در آن زمان به شدت تحقیر می‌شدند، به گونه‌ای که از آنها با عنوان حیوانات کافر دم‌دار در لبنان یاد می‌کردند، اما این مسئله امروز کاملاً شکل دیگری به خود گرفته است. در ادامه چگونگی سیر خیزش شیعیان در لبنان و بازیگری آنها در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شرح داده شده است.

انسجام شیعه و حرکه‌المحرومین

شیعیان لبنان تا پیش از سفر امام موسی صدر به لبنان، وضعیتی نابسامان، رقت‌بار و آشفته‌ای داشتند و با مشکل فقدان یکپارچگی و سازماندهی مؤثر و چنددستگی شدید در بین خود روبه‌رو بودند. اصولاً در آن دوره هر یک از طایفه‌های لبنانی با یکی از دولت‌های منطقه یا ابرقدرت‌ها در ارتباط بود و لبنان به محلی برای تسویه حساب‌های دو بلوک شرق و غرب و اقمار آنها و همچنین رقابتی منطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل شده بود و در این

حضور شیعیان در لبنان پیشنهادی به درازای عمر شیعه دارد و براساس گفته بعضی از منابع تاریخی، با هجرت ابوذر غفاری به این منطقه بذر تشیع در منطقه جبل عامل کاشته شد و با رشد این بذر بزرگانی مانند شهید اول و شهید ثانی در این منطقه ظهور کردند و در حوزه اسلام و به‌ویژه عالم تشیع خوش درخشیدند.

زندگی شیعیان در لبنان با توجه به حضور حاکمان سنی‌مذهب در منطقه شام و همچنین حضور نیروهای بیگانه مانند فرانسه در دوران پس از جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۴۳م، که لبنان به طور رسمی از فرانسه مستقل شد، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این وضع به گونه‌ای بود که تا پیش از تأسیس حرکه‌المحرومین به وسیله امام موسی صدر، پیروان این فرقه مذهبی تحت فشار شدید و ذلت و خواری به سر می‌بردند. شهید چمران در اثر جامعه‌شناسانه و ماندگار خود «لبنان»، وضعیت شیعیان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م را شرح داده و روایت دقیقی از رشد رویکردهای چپ‌گرایانه در شیعیان و جذب شدن





صهیونیستی را فراهم آورده و به گفته امام موسی صدر به «شرف و عزت لبنان» تبدیل شده بودند.

عبور از فتنه‌ها

پیروزی‌های سیاسی و اجتماعی حزب‌الله لبنان، به دلیل توانایی بالای این جنبش در بسیج کردن توده‌های لبنان، روبه فرونی بود و همین امر باعث شد رژیم صهیونیستی طرح «شکاف در داخل و فشار از بیرون» را در سال ۲۰۰۵م با ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق این کشور، کلید زند. با کشته شدن حریری و فضا سازی رسانه‌های صهیونیستی نخست انگشت اتهام این ترور به سمت سوریه و سپس حزب‌الله و ایران نشانه‌گیری شد و این امر سبب گردید با تشدید فشارهای شورای امنیت سازمان ملل (قطعنامه ۱۵۵۹)، ارتش سوریه، نیروهای نظامی خود را پس از ۲۹ سال از دره بقاع به داخل سوریه بفرخواند و توازن قدرت تا حد زیادی به نفع نیروهای معارض مقاومت اسلامی، به هم بخورد. این امر با استعفا عمر کرامی، نخست‌وزیر متمایل به سوریه، از سمت خود و روی کار آمدن سینیوره که فردی مورد توافق غرب و عربستان بود، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و سرانجام با آغاز جنگ ۳۳ روزه به وسیله اسرائیل، حزب‌الله، امل و دیگر حامیان آنها در جبهه ۸ مارس در تنگنای شدیدی قرار گرفتند. شکست ارتش اسرائیل از مقاومت اسلامی، در کنار کشتارها و ویرانی‌های روی دهنه، چهره مقتدرانه‌ای از حزب‌الله و شیعیان در لبنان و منطقه به نمایش گذاشت. این جنگ را می‌توان فصل نوینی از بازیگری جریان شیعه در معادلات منطقه‌ای به منظور متوقف کردن موتور اشغالگری اسرائیل و نزولی کردن منحنی تجاوزات این دولت غاصب به کشورهای مسلمان پیرامون خود، نامید.

دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی شیعیان لبنان

از دستاوردهای مقاومت سه دهه‌ای شیعیان لبنان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. موفق بودن الگوی انقلاب اسلامی در خارج از مرزها.
۲. نشان دادن عمق ضعف و ناکارآمدی ساختار ارتش رژیم صهیونیستی؛
۳. انتخاب مقاومت اسلامی به منزله تنها گزینه پیش روی ملت‌های منطقه؛
۴. تبدیل شدن به عامل بازدارندگی رژیم صهیونیستی از تجاوز؛
۵. نشان دادن ناکارآمدی سیاست سازش با رژیم صهیونیستی؛
۶. کشیدن خط بطلان بر دکترین نظامی ارتش‌های کشورهای عربی؛
۷. پرهیز از طایفه‌ای نمودن دستاوردها و اعلام تعلق پیروزی‌ها به کل مسلمانان؛
۸. افزایش فوق تصور قدرت نرم حزب‌الله لبنان و گفتمان انقلاب اسلامی ایران در منطقه؛
۹. زمینگیر شدن استراتژیک‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران در پشت مرزهای جعلی خود؛
۱۰. دامن زدن به رشد مهاجرت معکوس از اسرائیل و پیامدهای منفی جمعیتی در سال‌های آتی؛
۱۱. بی‌اعتمادی شهروندان رژیم صهیونیستی به دولتمردان خود و شکل گرفتن بحران اعتماد در

نفوذ اجتماعی، از طریق عرضه خدمات اجتماعی گوناگون، مانند تأسیس بیمارستان، درمانگاه و مراکز خدماتی و تبلیغاتی در منطقه جنوب لبنان، دره بقاع و ناحیه ضاحیه در بیروت، که مقر اصلی شیعیان در این شهر است، اشاره کرد. به رغم عملیات‌های نظامی موفق حزب‌الله علیه اسرائیل در آغاز تأسیس، که سبب توجه بیشتر شیعیان به این حزب شد، در سال ۱۹۸۸م به دلیل بالا گرفتن اختلافات سیاسی و عقیدتی میان امل و حزب‌الله، درگیری‌های خونینی بین این دو گروه بزرگ و فراگیر شیعی رخ داد که به تضعیف موقعیت شیعیان لبنان منجر شد. یکی از دلایل این نوع اختلاف‌ها به نوع تفسیر این دو گروه شیعی از قطعنامه ۴۲۵ سازمان ملل مربوط می‌شد که به دلیل وجود ابهاماتی درباره ترتیبات امنیتی با اسرائیل و همچنین شناسایی این رژیم به عنوان دولت، با انتقاد حزب‌الله روبه‌رو گردید. با این حال این فتنه با وساطت ایران و سوریه در سال ۱۹۹۰م پایان یافت و از آن زمان تاکنون دیگر در تاریخ لبنان «بدر اردوگاه‌ها» رخ نداده است.

اتحاد و بازیگری دوباره شیعه

در سال‌های دهه ۱۹۹۰م، اسرائیل با تمام توان خود به دو عملیات گسترده بر ضد لبنان با عنوان لیطانی و خوشه‌های خشم دست زد تا محورهای از دست داده در مناطق جنوبی را بازپس گیرد. در عملیات خوشه‌های خشم فاجعه قانا نیز روی داد و اسرائیل نزد افکار عمومی به شدت مواخذ شد، با این حال نتیجه این دو عملیات به پختگی بیشتر حزب‌الله و استحکام مواضع آن در مناطقی مانند میلیتاتج‌امید و این امر مقدمه‌ای شد برای آزادسازی کل لبنان. در انتخابات سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶م، با توجه به جو سنگین میان حزب‌الله و امل، که از بحران اردوگاه‌ها و تجربه تلخ سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰م ناشی می‌شد، حزب‌الله در اقدامی کاملاً سنجیده به ائتلاف با جنبش امل دست زد و این دو با لیست مشترک وارد فضای سیاسی لبنان شدند. نتیجه این ائتلاف برای هر دو جنبش کاملاً مفید بود. شایان ذکر است که این ائتلاف کاملاً نیز ادامه دارد. از این دوره به بعد، شیعیان به رغم تقسیم به دو گروه متفاوت از نظر عقیدتی، در یکپارچگی خوبی به سر بردند و امل و حزب‌الله به متحدان استراتژیک یکدیگر تبدیل شدند و امور شیعیان لبنان را در حوزه سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی سامان بخشیدند. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰م، فشارهای حزب‌الله بر ارتش رژیم صهیونیستی تشدید شد و همین مسئله سبب گردید آیهود باراک در اسرائیل با شعار انتخاباتی وعده خروج ارتش اسرائیل از مناطق جنوبی لبنان برنده انتخاب شود و رقیب سرسخت خود، بنیامین نتانیاهو، را شکست دهد. سرانجام با خروج اسرائیل از جنوب لبنان، برای نخستین بار آژانس‌های یکی از مناطق اشغال شده به وسیله ارتش اسرائیل به دست شیعیان لبنان کلید خورد. این مسئله با عکس العمل مثبت ملت‌های مسلمان منطقه در خاور میانه و اقبال روزافزون آنها به شخص سید حسن نصرالله روبه‌رو گردید. این دوره را می‌توان برهه مهم تاریخ تشیع در لبنان ارزیابی کرد؛ زیرا کسانی که تا چند دهه پیش، از آنها با عنوان حیوانات کافر مدار یاد می‌شد، هم‌اکنون زمینه عزت و استقلال لبنان از رژیم

امام موسی صدر کار خود را در لبنان به‌طور رسمی از سال ۱۹۵۹م آغاز کرد و در گام نخست با تشکیل جمعیت «البر والاحسان» به فعالیت‌های محرومیت‌زدا یانه و نیز فرهنگی و اجتماعی روی آورد. این مسیر تا سال ۱۹۶۹م، که مجلس اعلامی شیعیان به‌طور رسمی تأسیس شد، ادامه یافت. در این ده سال، امام موسی صدر به یکی از رهبران و چهره‌های مورد اعتماد بیشتر طایفه‌های لبنانی، به‌ویژه شیعیان آن، تبدیل شد.

میقانی است.

در کل مدت زمان تشکیل کابینه در لبنان طولانی است و وزاری کابینه با حکم سرپرستی به کار خود ادامه می‌دهند و در این میان سعه صدر حزب‌الله لبنان در تقسیم وظایف و پست‌ها میان جناح ۸ مارس و شخص نخست‌وزیر سبب شده است امر تشکیل کابینه در لبنان شتاب بیشتری به خود بگیرد.

جمع‌بندی

با توجه به درجه بالای تساهل دینی و مذهبی در لبنان و نیز موقعیت ذاتی ژئوپولیتیکی شیعیان در این کشور، می‌توان انتظار داشت که این گروه به قدرت اول طایفه‌ای لبنان تبدیل شوند. در صورت استمرار اتحاد و هم‌گرایی میان دو گروه امل و حزب‌الله نیز آینده درخشان‌تری پیش روی آنها قرار خواهد داشت. همچنین اوضاع کنونی از افزایش توان نرم ایران در لبنان حکایت می‌کند؛ زیرا برای مثال پس از رحلت علامه فضل‌الله، مرجعیت بزرگ شیعه در لبنان، هم‌اکنون بیشتر مقلدان این مرجع فقید به تقلید از آیت‌الله خامنه‌ای روی آورده‌اند و آمارهای موجود از رقم بالای ۹۰ درصد در این موضوع حکایت می‌کند (یعنی بیش از ۹۰ درصد شیعیانی که در لبنان به اصل تقلید از یک مرجع تقلید اعتقاد دارند هم‌اکنون از مقلدان مقام معظم رهبری به‌شمار می‌آیند) که این مسئله در جای خود بسیار درخور تأمل است. در پایان باید گفت که با مشاهده جریان‌های مقاومت اسلامی در منطقه می‌توان به تأثیرپذیری و حتی الگوگیری آنها از الگوی موجود شیعی در منطقه پی برد. بر این اساس از این به بعد پدیده‌ای با عنوان «تشیع سیاسی» را در منطقه شاهد خواهیم بود که در پی آن برادران اهل سنت، ضمن پایبندی به اصول اعتقادی و مذهبی خود، از نظر سیاسی براساس اصول سیاسی رسمیت یافته به وسیله شیعیان عمل خواهند کرد و بدین ترتیب «وحدت کلمه» در حوزه استراتژی‌های بیش از پیش ظهور و بروز خواهد نمود. II

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی